

آن که در رفع نیاز محرومین نمی‌کوشد بی‌باور به دین و قیامت است^۱

(گزیده‌ای از تفسیرهای امام موسی صدر، علامه طباطبایی و آیت‌الله طالقانی بر سوره ماعون)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ ﴿١﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَلَا يُحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣﴾
فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾ الَّذِينَ هُمْ يَرَاءُونَ ﴿٦﴾ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٧﴾

به نام خداوند رحمتگر مهربان

آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می‌انگارد، شناختی؟ (۱) این همان کس است که یتیم را به سختی می‌راند، (۲)

و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی‌کند. (۳) پس وای بر نمازگزاران، (۴) آنان که از نمازشان غافلند، (۵)

آنان که ریا می‌کنند، (۶) و از [دادن] ماعون [=وسایل و مایحتاج خانه] باز می‌دارند. (۷)

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ ﴿١﴾

[امام موسی صدر:] حقیقت این است که هنگامی که این آیات را می‌خواندم، گویی مطلب نوی یافته‌ام که پیش از این آنرا تصور نمی‌کردم. از آموزه‌های اسلامی و روایات پیامبر (ص) معنایی نزدیک به معنای این آیات درمی‌یافتم. در حدیث آمده است: «مَا آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ مَنْ بَاتَ شَبَعَانًا وَجَارُهُ جَانِعٌ.» «کسی که شب را سیر بخوابد در حالی که همسایه‌اش گرسنه است، به خدا و آخرت ایمان ندارد.»

از این حدیث درمی‌یافتم که پیوندی ژرف میان ایمان به خدا و رسیدگی به امور مردم وجود دارد. ایمان اسلامی ایمانی انتزاعی نیست که فقط مخصوص قلب و احساس آدمی باشد. ایمان اسلامی بی‌آنکه این ایمان در عمل و ذات و پیرامون آدمی و رسیدگی به امور مردم تجلی یابد، او را به آفریننده‌ی هستی پیوند نمی‌زند. پیوندی ژرف میان ایمان به خدا و خدمت به مردم و تلاش برای سعادت آنان است: «مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» «آن‌که صبح می‌کند و به امور مسلمین اهتمام ندارد، مسلمان نیست.» اما در قرآن آیتی به این صراحت ندیده بودم، با اینکه بارها پیش از این سوره‌ی ماعون را خوانده بودم. حقیقت این است که بنا بر روایات، قرآن گنجی است که شگفتی‌هایش پایانی ندارد و ژرفایش دست‌نیافتنی است. هر گاه انسان با آگاهی بیشتری قرآن را بخواند، مطلب نوی می‌یابد.

«أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ» «آیا دیده‌ای کسی را که منکر دین است؟» کسی که خدا و رسولش و آخرت و احکام را انکار می‌کند؟ [...] «أَرَأَيْتَ» یعنی دوست داری که ببینی؟ اگر منکر دین را ندیده‌ای، من او را به تو نشان خواهم داد. اگر دوست داری کسی را ببینی که دین را انکار می‌کند، به کسی نگاه کن که یتیم را می‌راند و بر اطعام مسکین تشویق نمی‌کند.

^۱ رجوع کنید به تفسیر آیات ۳-۱.

^۲ تفسیر امام موسی صدر از سوره ماعون از این کتاب نقل شده است: برای زندگی (گفتارهای تفسیری)، مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر، تهران، ۱۳۹۰.

[آیت... طالقانی، تفسیر پرتویی از قرآن: فعل استفهامی «آرأیت»، برای اعجاب و برانگیختن مخاطب است تا شخص مورد نظر (الذی...) و چهره‌ی باطنی و نامحسوس او را محسوس ببیند. شاید منظور از «الدین»، مطلق شریعت یا خصوص شریعت اسلام، یا جزء و عالم قیامت باشد که از ارکان اعتقادی دین است. به قرینه‌ی «فویل للمصلین» ... که پیوسته و متفرع به آیات قبل است و استفهام آرأیت، مقصود از تکذیب در این آیه، باور نداشتن و تکذیب واقعی (و در عین حال اقرار به ظاهر) است نه انکار به زبان، پس نباید این آیات راجع به کافران یا افرادی از کفار قریش (چون ابی سفیان یا ابی جهل یا ولید بن مغیره چنانکه بعضی گفته‌اند) باشد.

استفهام «آرأیت»، که ذهن مخاطب را برای دریافت مشهود و رؤیت مکذبین به دین آماده می‌نماید و اندیشه‌اش را برمی‌انگیزد برای همین است که در آیات بعد کسانی نشان داده و توصیف شوند که به‌ظاهر آئین خود را می‌آریند و احکام آن، به‌خصوص نماز، را انجام می‌دهند، ولی در واقع و باطن، دین را تکذیب می‌نمایند و از آن‌چه از آثار و لوازم روح آن است سر می‌تابند.

[علامه طباطبایی، تفسیر المیزان: کلمه «رؤیت» هم می‌تواند به معنای دیدن با چشم باشد، و هم به معنای معرفت. و خطاب در این آیه شریفه به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است، از آن جهت که فردی شنونده است، نه از آن جهت که پیامبر است؛ در نتیجه خطاب به عموم شنوندگان دنیا خواهد بود. و مراد از «دین»، جزای روز جزاء است، پس کسی که «دین» را تکذیب کند منکر معاد است.

فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَلَا يُحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿٣﴾

[امام موسی صدر: «يَدْعُ الْيَتِيمَ» چنانکه می‌گویند به معنای دور ساختن و راندن و طرد یتیم است. منکر دین حق یتیم را نادیده می‌گیرد، بر اطعام مسکین تشویق نمی‌کند و برای آن زمینه‌ای را آماده نمی‌کند و کاری صورت نمی‌دهد. بنابراین، رعایت حال یتیم و مسکین از شروط دین است و از بنیان‌های پذیرفتن ایمان. هر کس که این واجب عملی را منکر شود، خدا را انکار کرده و به او ایمان نیاورده و دین خدا را تکذیب کرده است. این بیان حجتی قاطع است که تعبیری بالاتر از آن نیست و جایی برای شک نمی‌گذارد: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يُحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ.» حقیقت این است که معنای درست ایمان به خدا و دین مستلزم رسیدگی و توجه به خلق خدا و امور جامعه و وضعیت مردم است، و در غیر این صورت ایمان در کار نیست. علت این است که ایمان به خدا معنای ایمان به آفریننده‌ی جهان، خدای عالم عادل رؤوف رازق رحیم است، خدایی که هر صفت نیکو و شایسته‌ای از او آغاز می‌شود و به او نیز پایان می‌یابد، نقطه‌ی آغاز و پایان هر خیری. ایمان به خدا به این معنا مستلزم این است که ما به هستی بنیان نهاده شده بر حق و عدل ایمان داشته باشیم.

خداوند هستی را آفریده و او نیکوترین آفریننده‌هاست. پس هستی نیکوترین مخلوقات است و انسان نیز نیکوترین مخلوقات. هستی را بی‌کم و کاست و آدمی را با فطرتی نیکو آفریده. بر این اساس و بر اساس این‌که جامعه و وضعیت آن ساخته‌ی آدمی است، این بشر است که جامعه‌ای صالح یا ناصالح می‌سازد. در احادیث به این مسئله اشاره شده و در قرآن آمده است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ.» «به سبب اعمال مردم، فساد در خشکی و دریا آشکار شد.» [روم، ۴۱]

پس اگر نقص و انحراف و پراکندگی و جهل و فقر و مرض در جامعه می‌بینیم، بی‌شک، این همه به دست خودمان است. ما خود این‌گونه خواسته‌ایم، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه. ما خود جامعه و شیوه‌ی حکومت را ساخته‌ایم. چگونگی تقسیم مسئولیت‌ها میان مردم است که عقب‌ماندگی و یا پیشرفت را فراهم می‌سازد. قرآن به صراحت می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» «بی‌گمان خداوند وضع قومی را دگرگون نکند مگر آنکه آنها آنچه در خود دارند، دگرگون کنند» [رعد، ۱۱] پس اوضاع جامعه ساخته‌ی ماست و مشکلات اجتماعی و فقر و وجود مسکینی که طعام ندارد و یتیمی که سرپرستی ندارد، همه، نتیجه‌ی اراده و ساخته‌ی ماست.

پس همه‌ی این کمبودها نتیجه‌ی اعمال ماست و اگر ما به خدا و آخرت ایمان داشته باشیم، خود را مسئول آن می‌دانیم.

ایمان به خدا مستلزم پذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی است و این از ژرفای ایمان است. تنها کافی نیست که بگوییم الحمدلله من ملتزم به واجباتم هستم و نماز را می‌خوانم، روزه‌ام را می‌گیرم، اما در عین حال همه‌ی آنچه را در پیرامونم می‌گذرد و بر مردم می‌رود، نادیده بگیرم.

بنابراین، بی‌احترامی به یتیم و رسیدگی نکردن به او و راندنش و بی‌توجهی به مسکین انکار دین است. این معنا در احادیث بسیاری آمده است، از جمله: «إِنَّ أَلَدِي يَمُوتُ فِي بَلَدٍ لِأَجْلِ الْفَقْرِ يَسْلُبُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ مِنْ تِلْكَ الْبَلَدَةِ» «خداوند برکت را از سرزمینی که در آن کسی از فقر بمیرد، دور می‌کند»؛ و یا اینکه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى تِلْكَ الْبَلَدَةِ» «خداوند به آن سرزمین نگاه نمی‌کند»؛ و در حدیث دیگری آمده است: «وَبَرَكَاتُ اللَّهِ تَطْلُعُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي مَاتَ فِيهَا الْفَقِيرُ» «برکات خداوند از سرزمینی که فقیر در آن [از فقر] مرده است، دور می‌شود.»

فقیر از گرسنگی، بیماری، جهل، تغذیه‌ی سوء، نداشتن مسکن، نبود نور و هوای کافی در خانه، نبود سلامتی در منطقه، نبود یزشک، آب آلوده، و بسیاری از این قبیل چیزها می‌میرد، نه فقط به سبب گرسنگی. این‌ها همه مرگ است، مرگ مردم به سبب فقر. بنابراین، اگر در جایی کسی بمیرد، خداوند همه‌ی اهالی آن‌جا را مسئول می‌داند. این سخن بدین معناست که عقب‌ماندگی مردم منطقه‌ای که به مرگ کسی می‌انجامد، مسئولیت فرد فرد اهالی آن منطقه است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» «و اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.» [اعراف، ۹۶] «القری» یعنی گروه‌های انسانی، چه به صورت قبیله، چه به صورت روستا و یا شهر. پس مؤمن به خدا مسئولیت‌های اجتماعی‌اش را برعهده می‌گیرد و ایمانش مستلزم توجه به جامعه است.

[...] ایمان ما با زندگی عادی ما کاملاً در پیوند است. فعالیت‌های اجتماعی ما از ایمان به خداوند ریشه می‌گیرد. این است ایمان درست، ایمان زنده، ایمان تپنده و غیر از این، ایمان مرده است، ایمان فاسد، ایمان خواب، و اینها اصلاً ایمان نیست.

[علامه طباطبایی، تفسیر المیزان]: «فذلک الذی یدع الیتیم» یعنی آیا آن کس را که روز جزا را تکذیب می‌کند، از راه صفاتی که لازمه‌ی تکذیب است، شناختی؟ اگر شناختی پس بدان که او کسی است که یتیم را به زور از در خانه خود می‌راند، و او را جفا می‌کند، و از عاقبت عمل زشتش نمی‌ترسد، و اگر روز جزا را انکار نمی‌داشت چنین جراتی را به خود نمی‌داد، و از عاقبت عمل خود می‌ترسید، و اگر می‌ترسید به یتیم ترحم می‌نمود.

«و لا یحض علی طعام المسکین» کلمه «حض» به معنای تحریک و تشویق است، بعضی از مفسرین گفته‌اند: اگر تعبیر به طعام کرد، نه به اطعام، برای این بود که اشاره کرده باشد به اینکه مسکین گویا مالک زکات و صدقه است و احتیاج ندارد به اینکه کسی به او اطعام کند؛ وقتی طعام را که حق خود او است به او بدهند او دارد حشش را می‌خورد نه اینکه اطعامش می‌کنند. همچنان که در جای دیگر فرموده: «و فی اموالهم حق للساائل و المحروم» «و در اموال ایشان [=پروایشگان] برای سائل و محروم حقی [معین] بود.» [ذاریات، ۱۹].

بعضی دیگر گفته‌اند: طعام در آیه به معنای اطعام است. و اگر تعبیر به تشویق به طعام کرد، و نه به خود عمل (اطعام) برای این بود که «حض» هم شامل تشویق عملی یعنی خود عمل اطعام می‌شود، و هم شامل تشویق زبانی به آن.

[آیت... طالقانی، تفسیر پرتویی از قرآن]: «فذلک»، جواب شرط مقدر و اشاره به دور است تا پس از آمادگی مخاطب، آن مکذب دور از دین و نزدیک به ظاهر آن، از نزدیک دیده و شناخته شود: اگر آماده‌ای و می‌خواهی دریابی که دین خدا فقط به انجام ظواهر و آداب و احکام نیست، فذلک ...

کسی که یتیم نیازمند و بی‌پناه، و روی آورنده را به‌سختی و ترش‌روئی از خود می‌راند، و یا به‌خود وامی‌گذارد و سرپرستیش نمی‌نماید (بنا به قرائت یدع، به تخفیف عین) تا حشش ضایع و استعدادش فاسد می‌شود و کسی که نه خود بینوایی را سیر می‌نماید و نه دیگران را به سیر نمودن بینوایان برمی‌انگیزد، چگونه دین را تصدیق کرده و به آن ایمان آورده است؟ این همان مکذب به دین است گرچه به ظاهر دین خود را بیاراید، گرچه نماز بگذارد.

تأمل کنیم...!

□ [از پیامبر خدا(ص) درباره‌ی این فراز از قرآن که «وای بر مشرکان! آنان که زکات نمی‌پردازند و آنان که به آخرت ناباورند» (سوره فصلت، ۷-۶) پرسش شد، فرمود: خدا مشرکان را مورد عتاب قرار نمی‌دهد، بلکه مقصود مسلمانان ظاهری هستند؛ مگر نشنیده‌ای این سخن خداوند را که: «پس وای بر نمازگزاران، آنان که از نمازشان غافلند، آنان که ریا می‌کنند، و از [دادن] ماعون خودداری می‌ورزند» (سوره ماعون، ۷-۴)؟ بدانید که ماعون، همان زکات است. [سپس فرمود: سوگند به آن‌که جان محمد در دست اوست، هیچ کس در چیزی از زکات مال خود به خدا خیانت نمی‌کند، مگر آن‌که مشرک به خدا است. (میزان‌الحکمه، ۷۷۸۰)]

□ سوره حاقه، ۳۶-۳۳: او به خدای بزرگ نمی‌گروید * و به اطعام مسکین تشویق نمی‌کرد، * پس امروز او را در اینجا حمایتگری نیست * و خوراکی جز چرکابه [دوزخ] ندارد.

^۱ بخش‌های «تأمل کنیم» گزیده‌ای از آیات و احادیث مرتبط است و از سه تفسیر یاد شده نقل نشده است.

- پیامبر اکرم(ص): هر که صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام ندارد از ایشان نیست و هر که فریاد کمک‌خواهی مردی را بشنود و به کمکش نشتابد مسلمان نیست. (میزان‌الحکمه، ۹۰۰۰)
- امام صادق(ع): هر کس از اصحاب ما که یکی از برادرانش از او برای نیازی طلب یاری کند و او با تمام توان به این یاری دادن برنخیزد، به خدا و رسول و مؤمنان خیانت کرده است. [راوی گوید: پرسیدم: «مقصودتان از مؤمنان چه کسانی‌اند؟» فرمود:] از زمان امیرالمؤمنین تا آخر ایشان. (ترجمه الحیاه، ج ۴، ص ۴۶۶)
- پیامبر اکرم(ص): حکایت مؤمنان در دوستی و مهربانی و دلسوزی نسبت به یکدیگر، حکایت پیکر [آدمی] است، که هرگاه عضوی از آن به درد آید سایر اعضای بدن با شب‌نخوابیدن و تبادار شدن با آن همدردی می‌کنند. (میزان‌الحکمه، ۱۸۵۸۶)

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾

[آیت... طالقانی، تفسیر پرتویی از قرآن]: «فویل»، متفرع به آیات قبل و اعلام نفرین و دوری از رحمت است. «المصلین»، راجع به همان مکذبین [دین] توصیف شده است: آن‌ها که یتیم را می‌رانند و افسرده می‌دارند و به اطعام مسکین رغبت و ترغیب ندارند، پس «ویل»، یعنی زیان و دوری از رحمت، بر آن‌ها باد، اگر چه نمازگزارند!

تصریح به ضمیر «هم» اشعار به تثبیت و تخصیص، و «عن صلاتهم» به جای «من صلاتهم» دلالت به روی‌گردانی و دوری از روح و حقیقت نماز (نه اجزاء و رکعات آن) دارد. این روح و حقیقت در رکعات و سجده‌ها و حمد و تسبیح، کامل و ظاهر می‌شود تا نمازگزار را از جواذب پست برهاند و از ذکر به فکر تحقق یابد و اسما و صفات خالق در او تجلی نماید و منشأ خیر و رحمت به خلق گردد. پس اگر نمازگزار با آن تکبیرات ابتدائی و نهائی و حرکات رکوع و سجود و ذکر صفات ربوبی و تکرار رحمت رحمان و رحیم و تسبیح و تقدیس مبدأ این صفات و تسلیم به مشیت او، به این صفات تحقق و تقرب نیابد و وجودش منشأ رحمت و خیر نگردد، یکسره از نماز دور و غافل است.

[علامه طباطبایی، تفسیر المیزان]: در آیه شریفه تکذیب‌گر روز جزا به چنین نمازگزارانی تطبیق شده، چون حرف «فاء» که بر سر جمله آمده می‌فهماند جمله مزبور نتیجه تکذیب روز جزا است و می‌رساند چنین نمازگزارانی خالی از نفاق نیستند، چون تکذیب روز جزا تنها به این نیست که به کلی آن را منکر شود، [بلکه] کسی هم که تظاهر به ایمان می‌کند و نماز مسلمانان را می‌خواند، اما طوری می‌خواند که عملاً نشان می‌دهد باکی از روز جزا ندارد، او نیز روز جزا را تکذیب کرده.

[امام موسی صدر]: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ يُرْأُونَ وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ». گمان می‌کنم که عبارت بعدی این سوره هم تأکید همان معنای اول است، اما به شکلی دیگر. نخست به صورت اجمالی مسئولیت‌های اجتماعی را بیان می‌کند: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ» اما عبارت بعدی صورت تفصیلی مشکل و حل آن و بیان آموزه‌ی مورد نظر است. می‌گوید: آیا نماز ستون دین نیست؟ آیا نماز از فحشا و منکر باز نمی‌دارد؟ مگر نه آنکه اگر نماز پذیرفته نشد، دیگر اعمال هم پذیرفته نمی‌شوند؟ آیا نماز مهم‌ترین واجب در اسلام نیست؟ این مسئله روشن است. با این همه «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ»، کدام نمازگزاران؟ «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ وَ الَّذِينَ هُمْ يُرْأُونَ وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» سه شرط و سه سبب و سه مانع منجر می‌شود که خداوند بگوید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ». نخست: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ». «ساهی» از سهو گرفته شده است و معنای سهو روشن است؛ گاهی می‌گوییم «الَّذِينَ فِي صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ». این سخن بدین معناست که من نماز می‌گزارم اما رکعت و یا بخش و سطر از نماز را فراموش می‌کنم. گاهی گفته می‌شود: «أَنَا أَسْهُو عَنْ صَلَاتِي». معنای عبارت این است که من نماز را فراموش کردم. اما معنای آیه نه این است و نه آن، زیرا در آیه می‌گوید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» یعنی فرض شده است که نماز به جای می‌آورد. پس معنای «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» چیست؟

منظور کسی است که به روح نماز، به جوهره‌ی نماز، به نیت نماز، به شروط صحت نماز و به نقص در نماز اهمیتی نمی‌دهد. [...] این مسئله در روایات بسیاری آمده است: «لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ» «از من نیست آن که نماز را کوچک می‌شمارد».

^۱ امام باقر(ع): درباره‌ی [کم‌فروشی در] پیمان‌کردن این آیه نازل شده است: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ» [سوره مطفین، ۱]: و خدا تا کسی را کافر نخواند، کلمه «ویل» را درباره او به کار نمی‌برد، چنانکه فرموده است: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ» [سوره مریم(س)، ۳۷]. (ترجمه الحیاه، ج ۳، ص ۵۲۸)

نباید نماز را کوچک شمرد. قرآن تأکید می‌کند که نمازها را پاس دارید: «حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةَ» امر به محافظت از نماز غیر از امر به ادای نماز است. امر به نماز یعنی نماز را به جا آور، اما «نمازها را پاس دارید» یعنی مراقب نماز باشید، یعنی نماز را با همه‌ی شروط به جای آورید.

تأمل کنیم...

- سوره معارج، ۲۵-۱۷: [آتش] هر آن کس را که پشت کرده و روی برتافته، * و [مالی] گرد آورده و انباشته، فرا می‌خواند. * به راستی که انسان سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است. * چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند. * و چون خیری به او رسد بخل ورزد. * غیر از نمازگزاران: * همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند؛ * و همانان که در اموالشان حقی معلوم است، * برای سائل و محروم.
- سوره مدثر، ۴۷-۴۲: [اهل بهشت، از مجرمان می‌پرسند:] «چه چیز شما را در آتش [= سقر] درآورد؟» * گویند: «از نمازگزاران نبودیم، * و بینوایان را غذا نمی‌دادیم، * و با بیهوده‌گویان بیهوده‌گویی می‌کردیم، * و روز جزا را دروغ می‌شمردیم، * تا مرگ ما در رسید.»
- سوره ذاریات، ۱۹-۱۵: پرهیزگاران در باغ‌ها و چشمه ساراند * آنچه را پروردگارشان عطا فرموده می‌گیرند، زیرا که آن‌ها پیش از این نیکوکار بودند، * و از شب اندکی را می‌غنودند، * و در سحرگاهان [از خدا] طلب آموزش می‌کردند، * و در اموالشان برای سائل و محروم حقی [معین] بود.
- سوره انفال، ۴-۲: مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند؛ * همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. * آنان هستند که حقا مؤمنند، برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آموزش و روزی نیکو خواهد بود.
- سوره بقره، ۳: آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند [...] .
- سوره بینه، ۵: و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند، و در حالی که به توحید گراییده‌اند، دین [خود] را برای او خالص گردانند، و نماز برپا دارند و زکات بدهند، و دین [ثابت و] پایدار همین است.
- سوره هود، ۸۷: [مشرکان] گفتند: «ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند رها کنیم، یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم؟»
- سوره توبه، ۵۴: و هیچ چیز مانع پذیرفته شدن انفاق‌های آنان نشد جز اینکه به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند، و جز با [حال] کسالت نماز به جا نمی‌آورند، و جز با کراهت انفاق نمی‌کنند.
- پیامبر اکرم (ص): روزگاری فرا رسد که مردم در مساجد خود جمع می‌شوند و نماز می‌خوانند، اما مؤمنی در میان آن‌ها وجود ندارد. (میزان‌الحکمه، ۱۰۶۶۳)
- پیامبر اکرم (ص): خداوند به من وحی فرمود که: ای برادر فرستادگان، ای برادر بیم دهندگان! به مردم خود هشدار ده که تا وقتی نسبت به یکی از بندگان من به گردن خود مظلومه و حقی دارند وارد هیچ یک از خانه‌های من نشوند، زیرا تا زمانی که در پیشگاه من به نماز ایستاده‌اند، آنان را لعنت می‌کنم مگر این‌که آن مظلومه را رد کنند. (میزان‌الحکمه، ۱۰۶۲۴)
- امام صادق (ع): کسی که زکات ندهد، نماز ندارد. (میزان‌الحکمه، ۱۰۶۵۹)
- پیامبر اکرم (ص): هشت کسانند که نمازشان پذیرفته نمی‌شود: [...] و کسی که زکات نمی‌دهد [...] و پیشوای قومی که با آنان نماز بخواند در حالی که از او ناراضی هستند [...] (میزان‌الحکمه، ۱۰۶۳۴)
- امام صادق (ع): خداوند تبارک و تعالی فرموده است: من نماز کسی را می‌پذیرم که در برابر عظمت من فروتن باشد، به خاطر من نفس خود را از شهوت‌ها باز دارد، روزش را با یاد من سپری کند، بر آفریدگان من بزرگی نفرشد، گرسنه را غذا دهد، برهنه را بپوشاند، به مصیبت دیده رحم کند و غریب را جای دهد [...] (میزان‌الحکمه، ۱۰۷۷۹)
- پیامبر اکرم (ص): خداوند ابراهیم را خلیل خود نکرد مگر از آن رو که مردم را اطعام می‌کرد، و شب هنگام که مردم خفته بودند او نماز می‌خواند. (میزان‌الحکمه، ۱۰۷۳۸)
- سوره شوری ۳۸-۳۶: و آنچه به شما داده شده، برخورداری [و کلاهی] زندگی دنیاست، و آنچه پیش خداست برای کسانی که گروهیده‌اند و به پروردگارشان اعتماد دارند بهتر و پایدارتر است؛ * و کسانی که از گناهان بزرگ و زشتکاری‌ها خود را به دور می‌دارند و چون به خشم درمی‌آیند درمی‌گذرند * و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا داشته‌اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند.
- سوره انبیاء، ۷۳: و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند، و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند.
- سوره حج، ۴۱-۴۰: [...] و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است. * همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه‌ی کارها از آن خداست.

الَّذِينَ هُمْ يَرَاءُونَ ﴿٦﴾ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٧﴾

[آیت... طالقانی، تفسیر پرتویی از قرآن]: این دو آیه عطف بیان و همچون جواب از سؤالِ مقدّری است: آن‌ها که نمازگزارند و از روح نماز دور و غافلند، چرا نماز می‌خوانند؟ - تا خود را به ظاهرالصلاحی بیارایند و تا در صف نمازگزاران وارد شوند و خود را بنمایند و از برکات اجتماع آن پاکدلان بهره‌مند گردند - اگر این‌ها نمازگزاران باخلاصند چرا مانع ماعون می‌گردند؟

از معانی لغوی و موارد استعمال لغت خاص ماعون معلوم می‌شود که معنای اصلی آن مطلق منابع فیاض طبیعت است و سپس به آلات و وسائل عمومی تولید و زندگی که برای همه فراهم نمی‌شود و باید در دسترس همه باشد نیز اطلاق شده. آنچه مفسرین درباره‌ی لغت ماعون احتمال داده‌اند: «دیگ بزرگ، تیشه، دلو، اثاث خانه، آب، نمک» بیان مواردی است که در زمان‌های گذشته مورد نظر بوده و در دسترس عموم نبوده و آنچه در بعضی روایات آمده که مقصود از ماعون زکات یا قرض است گویا نظر به حق قانونی و عمومی است بر کسانی که بیشتر از سرمایه‌های عمومی بهره‌مندند.

اگر نماز این نمازگزاران، [به راستی] دور از ریا و برای قرب به خدا باشد باید بکوشند تا منابع زندگی و وسائل عمومی آن در دسترس همه واقع شود و باید حقوق مشروعی خلق را ادا کنند و باید چشمشان به سوی خدا و دستشان برای دستگیری بینوایان و ستم‌زدگان باز باشد. اگر چنین بودند و خود را مسئول خلق دانستند، نماز را در معنا و صورت به‌پا داشته‌اند، وگرنه تنها نمازگزار ریاکارند: «المصلین...» نه بر یادارنده‌ی نماز: «بقیمون - مقیمون - اقام‌الصلوة» که قرآن در مقام تعریف و تمجید از متقین مخلصین، بیان نموده.

آن‌ها که نماز می‌گزارند ولی اقامه‌ی نماز نمی‌نمایند، چون میدان دیدشان از سود و شهوات و آرزوهای محدود خود پیش‌تر نمی‌رود، خدا و دین و نماز و احکام و وابستگی به این‌ها را (چون یهودیان) وسیله‌ای برای در انحصار آوردن وسائل و منابع زندگی گرفته‌اند. به‌یادارندگان نمازی که پیوستگی با خالق و خلق است منشأ برکت و رحمت و خیرند، اما این‌ها سزاوار «ویل»، همان ویلی که سزای ربایندگان اموال مردم از طریق کیل و وزن است: «ویل للمطففین...» [مطففین، ۱] و سزای سرکشانیست که شخصیت دیگران را در هم می‌شکنند و اموالشان را می‌برند «ویل لكل همزة لمزة...» [همزه، ۱] - رجوع شود به شرح و تفسیر این آیات [در تفسیر پرتویی از قرآن] - هر یک از این‌ها به صورتی و از راهی، حقوق حیاتی و سرمایه‌ی عمومی مردم را می‌ربایند، عده‌ای با گردن‌کشی و زور، عده‌ای به وسیله‌ی ترازو و دادوستد و گروهی با چهره‌ی نماز و دین. از نظر قرآن کریم همه‌ی این‌ها سزاوار نفرین «ویل» و محکومند، یا باید اصلاح شوند و یا اجتماع مسلمانان از آن‌ها پاک گردد.

فعل «یمنعون»، إشعار به این دارد که ماعون به وضع و اقتضای طبیعی، برای انتفاع عموم است و آنچه آن را محدود و عموم را از بهره‌برداری محروم می‌دارد، همین مردمان مانع و متجاوزند. پس برای برگشت به وضع اصلی و طبیعی که تعمیم منابع ثروت است باید این مانع‌ها برکنار شوند و دستشان کوتاه گردد.

[علامه طباطبایی، تفسیر المیزان]: کلمه «ماعون» به معنای هر عملی و هر چیزی است که به شخصی محتاج داده شود، و حاجتی از حوائج زندگی او را بر آورد، مانند قرض و هدیه و عاریه و امثال آن.

[امام موسی صدر]: «الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ»: ریا چیست؟ ریا بدین معناست که انسان نماز می‌خواند، اما نه برای خدا بلکه برای مردم و برای کسب مجد. ریا چه در جزئی از نماز باشد، چه در شروط و شکل و مستحبات، آن را باطل می‌کند.

ریا بیماری دشواری است. آدمی از جایی که گمان نمی‌برد، گرفتار ریا می‌شود. اگر آدمی هوشیار نباشد و اگر به دقت انگیزه‌هایش را در نماز، چه به صورت کلی و چه به صورت جزئی، بررسی نکند، گرفتار این بیماری می‌شود. بی‌شک نمازی که از روی ریا باشد، انسان را از خدا دور می‌سازد.

نمازی که برای خداست، ایمان را قوی‌تر می‌کند، چون آدمی ایمانش را در عملش به کار گرفته است. گویی ایمان به خدا را تغذیه می‌کند. این سخن ضمن بیش از پانزده روایت در تفاسیر شیعه و سنی آمده است. بیشتر این روایات از پیامبر اکرم (ص) است.

اما آیه‌ی «يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» نشانه و رمز است؛ کسانی که مانع همکاری و کمک به همسایه می‌شوند، کسانی که کمک خود را از خلق خدا دریغ می‌کنند. بار دگر به نقطه‌ی آغاز رسیدیم؛ نمازی که ستون دین است، نمازی که مسئله‌ی اصلی دین است، اگر همراه با سهل‌انگاری باشد و یا از روی ریا باشد و یا همراه با نادیده

گرفتن نیاز دیگران باشد، پس وای بر نمازگزاران. می‌بینیم که این سوره‌ی مبارک چگونه ابعاد گوناگون دین را با هم پیوند می‌زند: میان ایمان به خدا و تصدیق روز جزا و نماز برای خدا و تلاش برای اصلاح نیت و خدمت به یتیم و کمک به یتیم و همکاری و کمک به دیگران پیوند برقراری سازد.

خلاصه‌ی آیات این است که دین مجموعه‌ای جدایی‌ناپذیر است؛ نمی‌توان مدعی ایمان به خدا و قلب پاک شد، اما امور دیگران و مصلحت دیگران و نیاز دیگران را نادیده گرفت.

[علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، بحث روایی:] و در کافی به سند خود از محمد بن فضیل روایت کرده که گفت: از عبد صالح - موسی بن جعفر - (علیه السلام) از مفاد کلام خدای عزوجل پرسیدم که می‌فرماید: «الذین هم عن صلاتهم ساهون»، فرمود: کسی است که حق نماز را ضایع کند.

از علی بن ابیطالب روایت کرده‌اند که در تفسیر «الذین هم یراؤون» فرمود: یعنی با نماز خود ریا می‌کنند.

و در کافی به سند خود از ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) روایت آورده که در ضمن حدیثی فرمود: منظور از ماعون در جمله «و یمعنون الماعون» قرضی است که بدهی و احسانی است که بکنی، و اثاث خانه‌ای است که به عاریه بدهی، زکات هم یکی از مصادیق ماعون است.

در این روایت ماعون به زکات هم تفسیر شده، و این تفسیر از طرق اهل سنت نیز از علی (علیه السلام) روایت شده، نظیر روایتی که در درّ منثور به این عبارت آمده: «ماعون» زکات واجب است که از آن مضایقه می‌کنند، و به نماز خویش خودنمایی و ریا می‌کنند، اما مانع زکات خود می‌شوند.

و در درّ منثور است که ابن قانع از علی بن ابی طالب روایت کرده که گفت: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم می‌فرمود: «مسلمان برادر مسلمان است، وقتی با او برخورد می‌کند، سلامش می‌گوید، و او سلام را به وجهی بهتر به وی بر می‌گرداند، یعنی او باید سلام کند و این باید علیک بگوید و باید که ماعون را از او دریغ ندارد.» پرسیدم: «یا رسول الله ماعون چیست؟» فرمود: «از سنگ گرفته تا آهن و از آب گرفته تا هر چیز دیگر.»

تأمل کنیم...

□ سوره بقره، ۲۶۴: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل مکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مثل او همچون مثل سنگ خارایی است که بر روی آن، خاکی [نشسته] است، و رگباری به آن رسیده و آن [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان [=ریاکاران] نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای نمی‌برند؛ و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

□ سوره نساء ۳۶-۳۹: و خدا را بپرستید، و چیزی را با او شریک مگردانید؛ و به پدر و مادر احسان کنید؛ و درباره‌ی خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه‌ی خویش و همسایه‌ی بیگانه و همنشین و در راه مانده و بردگان خود [نیکی کنید]، که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد؛ * همان کسانی که بخل می‌ورزند، و مردم را به بخل وامی‌دارند، و آنچه را خداوند از فضل خویش بدان‌ها ارزانی داشته پوشیده می‌دارند، و برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده‌ایم؛ * و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند، و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند. و هر کس شیطان یار او باشد، چه بد همدمی است * و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آوردند، و از آنچه خدا به آنان روزی داده، انفاق می‌کردند، چه زیانی برایشان داشت؟ و خدا به [کار] آنان داناست.

□ سوره نساء، ۱۴۲: منافقان، با خدا نیرنگ می‌کنند، و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد؛ و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند. با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند.

□ امام علی(ع): و برخی از مردم با کار آخرت دنیا را می‌طلبند و با کار دنیا آخرت را نمی‌جویند. خود را با وقار نشان می‌دهند و با گام‌های نزدیک به هم (و سنگین) راه می‌روند، دامن جامه‌ی خود را بالا می‌زنند و خود را امین مردم وانمود می‌کنند، پرده‌پوشی خدا را وسیله‌ی گناه قرار می‌دهند. (میزان‌الحکمه، ۶۷۷)

□ پیامبر اکرم(ص): مبعوض‌ترین بنده نزد خداوند کسی است که جامگانش بهتر از کردارش باشد، جامه‌اش جامه‌ی پیامبران باشد و کردارش کردار جباران و گردنکشان. (میزان‌الحکمه، ۶۷۷۸)

□ پیامبر اکرم(ص): فرشته با خوشحالی عمل بنده را بالا می‌برد و چون کارهای نیکش را بالا برد؛ خدای عزوجل می‌فرماید: آن‌ها را در سجّین^۱ گذارید؛ این کارها برای من انجام نشده است. (میزان‌الحکمه، ۶۷۸۰)

^۱ سجّین: زندان، دیوان اعمال گنهکاران و کفار

- امام باقر(ع): از پیامبر خدا سؤال شد که «فردا [ی قیامت] نجات در چیست؟» رسول خدا(ص) فرمود: «راه نجات فقط این است که با خدا از در نیرنگ در نیاید که در این صورت با شما از در خدعه درآید؛ زیرا هر که بخواهد خدا را گول زند خداوند نیز با او خدعه کند و ایمانش را بگیرد. او اگر فهم داشته باشد در حقیقت خود را گول زده است.» عرض شد: «چگونه با خداوند خدعه می‌کند؟» فرمود: «به فرمان خدا عمل کند، اما تیش غیر خدا باشد.» (میزان‌الحکمه، ۶۷۹۱)
- امام علی(ع): ریاکار چهار نشانه دارد: در تنهایی تپیل است، در میان مردم کوشا و فعال است، اگر در کاری از او ستایش کنند، آن را بیشتر انجام می‌دهد و اگر ستایش نکنند کم انجام می‌دهد. (میزان‌الحکمه، ۶۸۰۸)
- پیامبر اکرم(ص): بهشت به سخن در آمد و گفت من بر هر بخیل و ریاکاری حرام هستم. (میزان‌الحکمه، ۶۸۳۰)
- امام علی(ع): هر کار نیکویی که برای رضای خدای تعالی انجام نگیرد، زشتی ریا بر آن است و میوه‌اش زشتی کبیر است. (میزان‌الحکمه، ۶۸۳۱)
- [از پیامبر خدا(ص) درباره‌ی این فراز از قرآن که «وای بر مشرکان! آنان که زکات نمی‌پردازند و آنان که به آخرت ناپاوردند» [سوره فصلت، ۷-۶] پرسش شد، فرمود: خدا مشرکان را مورد عتاب قرار نمی‌دهد، بلکه مقصود مسلمانان ظاهری هستند؛ مگر نشنیده‌ای این سخن خداوند را که: «پس وای بر نمازگزاران، آنان که از نمازشان غافلند، آنان که ریا می‌کنند، و از [دادن] ماعون خودداری می‌ورزند» [سوره ماعون، ۷-۴] بدانید که ماعون، همان زکات است. [سپس فرمود: سوگند به آن‌که جان محمد در دست اوست، هیچ کس در چیزی از زکات مال خود به خدا خیانت نمی‌کند، مگر آن‌که مشرک به خدا باشد. (میزان‌الحکمه، ۷۷۸۰)]
- شخصی نزد امام صادق(ع) آمد و از ایشان پرسید: «زکات واجب مال چقدر است؟» فرمود: «مقصود زکات ظاهری است یا باطنی؟» عرض کرد: «هر دو.» فرمود: «زکات ظاهری در هر هزار درهم بیست و پنج درهم واجب است و زکات باطنی این است که وقتی برادرت به چیزی نیازمندتر از تو بود، او را بر خود ترجیح دهی.» (میزان‌الحکمه، ۷۷۹۲)
- امام صادق(ع): مسلمان برادر مسلمان است و حق مسلمان بر برادرش این است که اگر برادرش گرسنه باشد سیر نخورد و اگر برادرش تشنه باشد سیراب نشود و هرگاه برادرش جامه ندارد، جامه [زیادی] نپوشد، پس حق مسلمان بر برادر مسلمان حق بزرگی است! (ترجمه الحیاه، ج ۵، ص ۱۴۱)
- مردی نزد پیامبر(ص) آمد و پرسید: «آیا در اموال حقی جز زکات وجود دارد؟» پیامبر(ص) فرمود: «مسلمان باید هرگاه گرسنه‌ای از او غذا بخواهد غذایش دهد و هرگاه برهنه‌ای از او لباس خواهد وی را بپوشاند.» آن مرد گفت: «بیم آن می‌رود که دروغ بگوید.» پیامبر(ص) فرمود: «آیا بیم آن نمی‌رود که راست بگوید؟» (میزان‌الحکمه، ۸۳۲۸)
- امام صادق(ع): آیا تصوّر می‌کنی که اگر خداوند به کسانی مالی داده است، بدین علت بوده که احترامی نزد او داشته‌اند، و اگر به کسانی مال نداده است، از آن روست که در نظرش قدر و منزلتی نداشته‌اند؟ نه! بلکه مال، مال خداست؛ و آن را در نزد برخی به امانت می‌گذارد، و بر آنان روا می‌دارد که از این مال با میانه‌روی بخورند و بیاشامند و بپوشند و ازدواج کنند و از وسیله‌ی سواری بهره‌مند شوند، و آنچه می‌ماند را به فقرا و مؤمنان بدهند، و نابسامانی زندگی آنان را به سامان آورند. پس هر کس چنین کند، آنچه می‌خورد و می‌آشامد و سوار می‌شود و ازدواج می‌کند، بر وی حلال است، و آنچه از این اندازه بگذرد بر وی حرام است. [سپس امام این آیه را خواند: «اسراف مکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد» [سوره انعام، ۱۴۱] و فرمود: آیا خیال می‌کنید که خدا مردی را بر مالی که به او عطا کرده است امین می‌داند، که برای خود اسبی به ده هزار درهم بخرد، با اینکه اسب بیست درهمی برای او بس است، [...] حال آنکه فرموده است: «اسراف مکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد»؟! (میزان‌الحکمه، ۱۹۴۹۴)

امام علی(ع) [در وصیت به حسن و حسین علیهما السلام، هنگامی که ابن ملجم او را ضربت زد: [...] شما و همه‌ی فرزندانم و کسانم و آن را که نامه‌ی من بدو رسد، سفارش می‌کنم به پروای خدا را داشتن و آراستن کارهایتان، و اصلاح بین خود، که من از جدّ شما شنیدم که می‌گفت: «اصلاح کردن [رابطه] میان مردمان از همه‌ی نماز و روزه‌ها برتر است». خدا را! خدا را! درباره‌ی یتیمان، آنان را گاه گرسنه و گاه سیر مدارید، و نزد خود ضایعشان مگذارید. و خدا را! خدا را! همسایگان را بیایید که سفارش شده‌ی پیامبر شمایند، پیوسته درباره‌ی آنان سفارش می‌فرمود چندان که گمان بردیم برای آنان ارثی معین خواهد نمود. و خدا را! خدا را! درباره‌ی قرآن، مبدا دیگری بر شما پیشی گیرد در رفتار به حکم آن. [...] و خدا را! خدا را! درباره‌ی جهاد در راه خدا به مال‌هاتان و به جان‌هاتان و زبان‌هاتان! بر شما باد به یکدیگر پیوستن و بذل و بخشش به یکدیگر. مبدا از هم روی بگردانید، و پیوند هم را بگسلانید. امر به معروف و نهی از منکر را و مگذارید که بدترین‌های شما حکمرانی شما را به دست گیرند، آن‌گاه دعا کنید و اجابت نگرود. (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷)